

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

بررسی ژانر حماسی در اشعار مهدی اخوان ثالث با تکیه بر مجموعه شعر آخر شاهنامه

۱- مهدی صحرایی، ۲- سیدعلی اکبر شریعتی فر

۱- دانشجوی دکتری رشته‌ی زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد سبزوار، ایران،

۰۹۱۵۱۷۴۱۷۷۶

۲- استادیار رشته‌ی زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد سبزوار، ایران، ۰۹۳۶۲۴۵۹۱۸۲

m0790420988@gmail.com

shariatifar@aus.ac.ir

چکیده

اگرچه برای ژانر هم مانند شعر تعریفی جامع و مانع ارائه نشده اما با بررسی تعریف‌های متعدد ارائه شده می‌توان ژانر را تعدادی متن دانست که در یک طبقه قرار می‌گیرند و از قواعد زبانی یکسانی پیروی می‌کنند. ژانر حماسی یکی از انواع ژانرهای ادبی است که در شعر معاصر پیروانی از جمله؛ مهدی اخوان ثالث دارد. در شعر اخوان صفات و وجوهی از ویژگی‌های حماسی دیده می‌شود که طی بررسی مجموعه شعر آخر شاهنامه این صفات و ویژگی‌ها که شامل در اولویت بودن روایت، در خدمت روایت بودن عنصر عاطفه، گرایش به نظام تصویرگری ساده و محدود بودن آرایه‌های زبانی است، دیده می‌شود. هدف از این پژوهش که به روش توصیفی و بر مبنای کتابخانه‌ای انجام شده است، آن بوده که ویژگی‌های ژانر حماسی در شعر مهدی اخوان ثالث و به طور ویژه در مجموعه‌ی شعر آخر شاهنامه بررسی شود. با بررسی این ویژگی‌ها به نظر می‌رسد، مجموعه شعر یادشده در زیرمجموعه‌ی ژانر حماسی قرار می‌گیرد.

کلمات کلیدی: بررسی، ژانر حماسی، اخوان ثالث، مجموعه شعر، آخر شاهنامه

۱. مقدمه

«مهدی اخوان ثالث» متولد ۱۳۰۷ در مشهد، بی‌شک یکی از شاعران نامدار معاصر است. زبان شعر اخوان ویژگی خاص خود را دارد؛ به گونه‌ای که با وجود این که از متون کهن ادب فارسی فراوان بهره‌جسته است و ضخامت و استواری متون کهن را دارا می‌باشد، دشواری و کژتابی‌های گاه و بی‌گاه متون کهن را ندارد و زبانی یکدست و مورد پسند مخاطب امروز می‌نماید. یکی از ویژگی‌هایی که زبان شعر اخوان دارد، توجه او به زبان سبک حماسی است که ما در این پژوهش برآنیم این ویژگی‌ها را مورد بررسی قرار دهیم. ژانر یا گونه‌ی حماسی را می‌توان، ویژگی‌هایی در نظر گرفت که از سبک حماسی و استواری‌های آن زبان به قرون بعد رسیده و از آن استفاده شده است.

واژگان شعر اخوان اگرچه از متون کهن و یا از زبان مردم گرفته شده، اما در پیکره‌ی هماهنگی که ساخته است، تازگی پیدا کرده

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

است؛ به طور مثال شاید امروز کسی واژه‌ی «چکاد» به معنی قلّه‌ی کوه را به کار نبرد و اگر به کار ببرد، ممکن است مردم مراد او را درنیابند. او توانسته است این واژه‌ی کهن را زنده کند و رواج دهد [۶].
در این نوشتار ویژگی‌های گونه‌ی حماسی را در مجموعه شعر آخر شاهنامه مورد بررسی قرار می‌دهیم.

۲. پیشینه پژوهش

رویکردها و رهیافت‌ها در بررسی اشعار اخوان متعدد هستند و عده‌ی زیادی در این زمینه قلم‌فرسایی کرده‌اند. کسانی چون محمدرضا شفیعی کدکنی، عبدالعلی دستغیب، محمد حقوقی و... هر یک از دریچه‌ای به اخوان نگریسته‌اند و زندگی و شعر او را بررسی کرده‌اند. از سوی افراد متعددی از جمله سیروس شمیسا، ذبیح الله صفا، ابوالقاسم اسماعیل‌پور، حمیدرضا خوارزمی و... پژوهش‌های مبسوطی در زمینه‌ی حماسه و اسطوره و ویژگی‌های آن داشته‌اند. سیدمهدی زرقانی نیز در کتاب «تاریخ ادبی ایران و قلمرو زبان فارسی» معیارهایی را برای شعر حماسی برشمرده است که در ادامه، آن معیارها را در مجموعه شعر آخر شاهنامه‌ی مهدی اخوان ثالث بررسی می‌کنیم.

۳. مبانی نظری پژوهش

۳-۱. اسطوره

باید توجه داشت که حماسه از بطن اسطوره به وجود آمده است؛ اگرچه حتماً این‌گونه نیست که حماسه همواره به اسطوره تبدیل می‌شود [۴].

اسطوره‌ها برای پویایی خود به قالب حماسه درآمده‌اند، بدین‌گونه که در روزگار اسطوره‌زیستی، مبنای باورهای انسان و در متن زندگی فردی و اجتماعی او بوده است؛ اما در دوره‌ی دیگر اندک‌اندک جنبه‌ی باورشناختی خود را از دست داده است. از دلایل دیگر تبدیل اسطوره به حماسه می‌توان به کم‌رنگ شدن تدریجی کار کاهن‌ها و قدیسه‌ها و از بین رفتن تابوهای زندگی و کم‌شدن تقدس موجودات اطراف اشاره کرد. تقسیم‌شدن آریایی‌ها به دو قوم هندی و ایرانی و اقتضای داستان‌های جدید در مکان و زمان جدید برای توجه به افتخارات قومی، می‌تواند یکی دیگر از علل تبدیل حماسه به اسطوره باشد [۵].

اسطوره یک بینش شهودی است. بینش جوامع ابتدایی و تفسیر آن‌ها از جهان به شکل اسطوره جلوه‌گر می‌شده است و هرچند در ردیف حماسه، افسانه و قصه‌های پریان قرارگیرد، اما با آن متفاوت است [۳].

اسطوره به لحاظ روایت، عبارت است از تقلید اعمالی که نزدیک به آرزو یا در محدوده‌ی به تصور درآمده‌ی آرزو قرار دارد [۱۰]. از نظر زبانی اسطوره و شعر را در دو قطب مخالف همدیگر قرارداده‌اند. رابرت اسکولز در کتاب «درآمدی بر ساختارگرایی در ادبیات»، اظهار می‌دارد که در شعر غلبه با وجه واژگانی و جانشینی زبان است، اما در اسطوره وجه ساختاری و همنشینی زبان غلبه می‌یابد [۲].

اگرچه واژه‌ی اسطوره یادآور متون کهن است، اما باید توجه داشت که امروزه هم اسطوره ساخته می‌شود و این غیر از آثار متعددی است که چه خودآگاه و چه ناخودآگاه بر مبنای اساطیر قدیم آفریده می‌شوند. آثار جیمز جویس و منظومه‌ی معروف «لیوت سرزمین ویران» بر مبنای اساطیر کهن هستند [۸].

۳-۲. حماسه

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

۳-۲-۱. تعریف حماسه

حماسه نوعی از اشعار وصفی است که مبتنی بر توصیف اعمال پهلوانی و مردانگی‌ها و افتخارات و بزرگی‌های قومی یا فردی باشد به نحوی که شامل مظاهر مختلف زندگی آنان گردد [۹]. حماسه که به صورت داستان خلق می‌شده حالتی چندوجهی داشته و ابعاد مختلف زندگی پهلوانان، فرهنگ عامیانه، تاریخ و... را دربرمی‌گرفته است.

۳-۲-۲. ویژگی‌های حماسه

حماسه که به شکل داستان چندوجهی بوده است، بیان‌کننده نیروهای قهرمانانه و دلیری‌های قومی، نژادی، مذهبی و ملی بوده است. ویژگی دیگر حماسه وجود عوامل ضد قهرمان مثل دیوان و جادوگران در آن است؛ به‌گونه‌ای که گاه قهرمان داستان در مواقع خاص از آنان کمک هم می‌گرفته است؛ به عنوان نمونه می‌توان به «بهم‌نامه» اشاره کرد که در آن، بهم‌زمانی که در تنگنا قرار می‌گیرد از دیوان جادوگر کمک می‌گیرد.

از ویژگی‌های دیگر حماسه وجود تقدیر و سرنوشت و نقش‌آفرینی آن در داستان است. همچنین می‌توان از حماسه وجود یک پیرنگ ساده را مشاهده کرد؛ اگرچه حماسه بر مبنای مجموعه‌ای از حوادث می‌چرخد [۵]. پیرنگ ساده‌ی حماسه ظاهراً به دلیل همان ویژگی داستانی بودن آن است که به آن اشاره کردیم. ذبیح‌الله صفا در کتاب حماسه سرایی در ایران، از حماسه به عنوان داستان‌های مرتبی یاد می‌کند که اساس آن‌ها تاریخ، ظاهر آن‌ها داستان و روش آن‌ها اساطیری و دینی بوده است [۹].

۳-۳. ژانر

۳-۳-۱. تعریف ژانر

اگرچه ژانر هم مثل شعر یک تعریف جامع و مانع که همه‌ی محققان بر آن اتفاق نظر داشته باشند، ندارد، اما می‌توانیم ژانر را تعدادی متن که در یک طبقه قرار می‌گیرند و از قواعد زبانی یکسانی پیروی می‌کنند، بدانیم. در مبحث ژانرها باید در نظر داشته باشیم که اغلب آن‌ها، دارای پیشینه‌ای در زبان هستند و یک‌باره به وجود نیامده‌اند؛ مثلاً اگر غزل را به مثابه‌ی یک ژانر بدانیم، می‌بینیم که غزل قبل از شکل‌گیری در دل قصیده وجود داشته است. یا داستان‌های شاهنامه‌ی فردوسی که نمونه‌ی عالی ژانر حماسی است در دوره‌های مختلف قبل از خود وجود داشته و در شاهنامه به اوج خود رسیده است و ویژگی ژانر حماسی در آن مقطع در عالی‌ترین فرم خود بوده است. ژانرها پیوسته در حال تغییر و تحول هستند و ویژگی‌هایی به آن اضافه و از آن‌ها کاسته می‌شود. ژانرهایی که در بهترین وضعیت خود در یک کانون ادبی هستند، پس از مدتی از بین می‌روند و ژانرهای جدیدی متولد می‌شوند که بخشی از وجودشان را از همان ژانرهای مرده که زمانی در اوج بوده‌اند می‌گیرند.

۳-۳-۲. ژانر حماسی در شعر اخوان

این نکته مهم است که ژانرهای جدید تنها بخشی از وجودشان را از ژانرهای از بین رفته می‌گیرند و اگر تمام وجودشان را از ژانرهای قدیم بگیرند شعر بازگشت می‌شود نه ژانر نو.

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

در شعر اخوان، صفات و وجوهی از ویژگی‌های حماسه دیده می‌شود. اگرچه حماسه در ایران در حدود قرن‌های ۴ و ۵ در اوج بوده و امروز دیگر، کسی نیست که به حماسه بپردازد و اگر هم باشد خیلی کم است و چشمگیر نیست. ولی ویژگی‌ها و صفات حماسه در درون برخی آثار معاصر مثل اشعار شاملو و اخوان و یا داستان‌های محمود دولت‌آبادی دیده می‌شود. ژانرها تعریف ذات‌گرایانه ندارند و مجموعه‌ای از صفات هستند و بخشی از صفات حماسی در اشعار اخوان دیده می‌شود که در ادامه به آن اشاره می‌کنیم. همان‌گونه که اشاره شد سیدمهدی زرقانی در کتاب تاریخ ادبی ایران و قلمرو زبان فارسی معیارهایی را برای شعر حماسی برمی‌شمرد که از آن جمله می‌توان به در اولویت بودن «ذات روایت» در اثر حماسی، در خدمت روایت بودن عنصر عاطفه، گرایش شعر حماسی به نظام تصویرگری ساده و محدود بودن آرایه‌های زبانی با هدف آزادی خواننده در ارتباط با متن حماسه اشاره کرد. ما در این پژوهش با نگاهی به این معیارها و با توجه به مجموعه شعر آخر شاهنامه نمونه‌هایی را استخراج و بررسی می‌کنیم.

۳-۲-۱. روایت در شعر اخوان

از اولین شعر این مجموعه یعنی شعر نادر یا اسکندر؟ برای بیان فضایی سرد و تیره رگه‌هایی از روایت دیده می‌شود:

موج‌ها خوابیده‌اند آرام و رام
طلبل توفان از نوا افتاده است.
چشمه‌های شعله‌ور خشکیده‌اند
آب‌ها از آسیا افتاده است [۱].

و یا شعر گله که این‌گونه آغاز می‌شود:
شب خاموش است و خفته در انبان تنگ وی
شهر پلید کودن دون، شهر روسپی،
ناشسته دست و رو
برف غبار بر همه نقش و نگار او... [۱].

در این شعر شاعر از توصیف در جهت بیان شعر روایت‌گونه‌ی خود به خوبی بهره می‌برد.

همین‌گونه است توصیف زمان و مکان در شعر بازگشت زاغان:

در آستان غروب،
بر آبگون به خاکستری گراینده،
هزار زورق سیر و سیاه می‌گذرد [۱].

یا در شعر طلوع:

پنجره باز است،
و آسمان پیداست.

گل به گل ابر سترون در زلال آبی روشن

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

رفته تا بام برین چون آبگینه پلکان پیداست... [۱].

و از این گونه است شعر وداع:
سکوت صدای گام‌هایم را باز پس می‌دهد
با شب به خانه می‌روم
گله‌ای کوچک از سگ‌ها بر لاشه‌ی سیاه خیابان می‌دوند
خلوت شب آن‌ها را دنبال می‌کند... [۱].

در شعر برف هم روایت دیده می‌شود:
پاسی از شب رفته بود و برف می‌بارید،
چون پرافشان پری‌های هزار افسانه‌ی از یادهارفته
باد چونان آمری مأمور و ناپیدا
بس پریشان حکم‌ها می‌راند مجنون‌وار،
بر سپاهی خسته و غمگین و آشفته [۱].

و نیز در شعر قصیده:
همچو دیوی سهمگین در خواب،
پیکرش نیمی به سایه نیم در مهتاب،
در کنار برکه‌ی آرام،
اوفتاده صخره‌ای پوشیده از گل‌سنگ
کز تنش لختی به ساحل خفته و لختی دگر
در آب... [۱].

و در شعر مرثیه که این گونه آغاز می‌شود:
خشمگین و مست و دیوانه است.
خاک را چون خیمه‌ای تاریک و لرزان برمی‌افروزد
باز ویران می‌کند زود آن چه می‌سازد
همچو جادویی توانا هر چه خواهد می‌تواند باد [۱].

۳-۲-۲. اخوان و عاطفه‌ی شعر او

همان گونه که گفتیم در حماسه، عاطفه در خدمت روایت قرار می‌گیرد و این گونه نیست که کاملاً حذف شود. همان گونه که در ژانرهای دیگر هم این گونه نیست که ویژگی‌ها و صفات غیر از آن ژانرها دیده نشود. در شاهنامه که یک ژانر حماسی است، ژانر غنایی هم دیده

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

می‌شود؛ یا در مثنوی خسرو و شیرین نظامی، رگه‌هایی از حماسه هم دیده می‌شود، اما در ژانر آنچه مهم است بسامد بالای یک صفت و ویژگی است [۷]. در مجموعه شعر آخر شاهنامه عناصری از عاطفه هم دیده می‌شود که به آن اشاره می‌گردد.

در این شعرها عاطفه در خدمت روایت است:

می‌شود چشمش پر از اشک و به خویش

می‌دهد امید دیدار مرا [۱].

از تهی سرشار،

جویبار لحظه‌ها جاریست....

زندگی را دوست می‌دارم

مرگ را دشمن

وای، اما- با که باید گفت این؟- من دوستی دارم

که به دشمن خواهیم از او التجا بردن [۱].

پُر جست‌وخیز و بیپرده‌گو طوطی بهار،

اندیشناک قمری تابستان،

اندوهگین قناری پاییز،

خاموش و خسته زاغ زمستان،

اما

او

با میوه‌ی همیشگی‌اش، سبزی مدام،

عمری گرفته خو [۱].

۳-۲-۳-۳. تصویرگری در شعر اخوان

همان‌گونه که بیان شد در شعر حماسی تصویرگری‌ها ساده است؛ چرا که تصویرگری‌های پیچیده و فنی باعث می‌شود مخاطب از داستان دور شود و درگیر صناعات ادبی شود.

مانند تشبیه بلیغ طبل توفان در شعر زیر:

موج‌ها خوابیده‌اند آرام و رام

طبل توفان از نوا افتاده است.

چشمه‌های شعله‌ور خشکیده‌اند

آب‌ها از آسیا افتاده است [۱].

در شعر نادر یا اسکندر؟ از مجموعه شعر آخر شاهنامه که شامل ۴۰ بیت می‌شود، علاوه بر تشبیه توفان به طبل که به آن اشاره

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

کردیم، صناعات ادبی به چند مورد تشبیه دیگر محدود می‌شود. از آن جمله است؛ تشبیه انگشت به خامه و دست به نامه: آخر انگشتی کند چون خامه‌ای دست دیگر را بسان نامه‌ای گویدم «بنویس و راحت شو» به رمز «-تو عجب دیوانه و خودکامه‌ای» [۱].

و بقیه شعر در خدمت روایت قرار می‌گیرد. با بررسی مجموعه شعر آخر شاهنامه به این نتیجه رسیدیم که صناعات ادبی محدود است و همان تعداد کم هم غالباً شامل تشبیه و گاه مبالغه می‌شود. تشبیهات هم مانند آنچه از شاهنامه‌ی فردوسی به یاد داریم بیشتر تشبیهات محسوس به محسوس است که به تعدادی از آن‌ها اشاره می‌کنیم. که چو باد از همه سو می‌دوم و گمراهم [۱].

شوخ چشم آهوک من که خورد باده چو شیر [۱].

چون سبوی تشنه کاندر خواب بیند آب، واندر آب بیند سنگ... [۱].

در بررسی مجموعه شعر آخر شاهنامه، به این نتیجه رسیدیم که تصویرگری‌ها به چند مورد تشبیه، محدود می‌شود که به تعدادی از آن‌ها اشاره شد؛ همان‌گونه که قبل از این هم اشاره کردیم تشبیهات، آن‌گونه که ویژگی سبک حماسی است، از نظام ساده‌ای برخوردار است و اغلب تشبیه محسوس به محسوس است.

۳-۲-۴. آرایه‌های زبانی اخوان

از ویژگی‌های ژانر حماسی همان‌گونه که بیان شد، محدود بودن آرایه‌های زبانی با هدف آزادی خواننده در ارتباط با متن است که این امر در آثار اخوان و از آن جمله در آخر شاهنامه که مورد بررسی قرار گرفته، مبرهن است. تعدادی از آرایه‌های زبانی که به صورت محدود در آخر شاهنامه دیده می‌شود شامل تتابع اضافات و واژارایی می‌شود که به نمونه‌هایی از آن‌ها اشاره می‌گردد.

۳-۲-۴-۱. تتابع اضافات

یکی از ویژگی‌های زبانی که در اشعار اخوان دیده می‌شود، تتابع اضافات است که به نمونه‌هایی از آن اشاره می‌گردد: فارغ از سوت و سفیر دوستدار خاکزادِ خویش [۱].

در کوچه باغ گل ساکتِ نازهایت [۱].

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

ای همنشین قدیم شبِ غربتِ من [۱].

۳-۳-۲-۴-۲. واژ آرای

یکی از ویژگی‌های زبانی که در اشعار اخوان دیده می‌شود، واژ آرای است که به نمونه‌هایی از آن اشاره می‌گردد.

مثل واژ آرای حرف «س» در شعر زیر:

به تصویر سیاه شب، سپید و کج زند سایه [۱].

یا واژ آرای دو حرف «س» و «ش» در شعر زیر:

که بدینسان خستگی شناس،

چشم و دل هشیار،

گوش خوابانده به دیوار سکوت، از بهر نرمک سیلی صوتی،

می‌سپردم راه و خوش بی‌خویشتن بودم [۱].

۴. نتیجه‌گیری

در بررسی مجموعه شعر آخر شاهنامه سروده‌ی مهدی اخوان ثالث، ویژگی‌هایی دیده می‌شود که می‌توان به واسطه‌ی همان ویژگی‌ها این مجموعه را در ژانر حماسی مورد بررسی و مطالعه قرار داد.

۵. مراجع

۱. اخوان ثالث، مهدی؛ آخر شاهنامه، چاپ سیزدهم، نشر آگه، تهران، ۱۳۷۵.
۲. اسکولز، رابرت؛ درآمدی بر ساختارگرایی در ادبیات، ترجمه‌ی فرزانه طاهری، چاپ اول، نشر آگه، تهران، ۱۳۷۹.
۳. اسماعیل پور، ابوالقاسم؛ اسطوره بیان نمادین، چاپ اول، نشر سروش، تهران، ۱۳۹۹.
۴. بهار، مهرداد؛ جستاری چند در فرهنگ ایران، چاپ دوم، نشر فکر روز، تهران، ۱۳۷۴.
۵. خوارزمی، حمیدرضا؛ تکوین و تحول چهره‌ی قهرمان در اسطوره‌ها و حماسه‌های ایران، چاپ اول، نشر اطلاعات، تهران، ۱۳۹۶.
۶. دستغیب، عبدالعلی؛ نگاهی به مهدی اخوان ثالث، چاپ اول، نشر مروارید، تهران، ۱۳۷۳.
۷. زرقانی، سیدمهدی؛ (۱۳۹۰)، تاریخ ادبی ایران و قلمرو زبان فارسی، چاپ دوم، نشر سخن، تهران، ۱۳۹۰.
۸. شمیسا، سیروس؛ نقد ادبی، چاپ اول، نشر میترا، تهران، ۱۳۸۶.
۹. صفاء ذبیح الله؛ حماسه‌سرایی در ایران، چاپ ششم، نشر فردوس، تهران، ۱۳۷۴.
۱۰. فرای، نورتروپ؛ تحلیل نقد، کالبدشکافی نقد، ترجمه‌ی صالح حسینی، چاپ دوم، نشر نیلوفر، تهران، ۱۳۹۱.